

The Fifth Wave of Terrorism and the Regional Security Complex in the Persian Gulf

Hossein Afshin¹, Siamak Bahrami², HamidReza SaEEdynezhad³

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. mohammadmohammady065@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding author). Sbahrmi59@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Saedynezhad48@gmail.com

Abstract

This research aims to examine the impacts of the fifth wave of terrorism on the prevailing pattern of the security complex in the Middle East and the Persian Gulf. The research methodology is descriptive-analytical, and the results indicate that the novel wave of terrorism, considering its historical roots in the 20th century, influenced by imposed nation-building and multiple crises of identity, has taken shape. Thus, its roots can be traced in issues such as non-civilian foundations and ethnic and religious exclusivism, lack of consensus and agreement among national and religious actors, a disruptive and weak government incapable of achieving good governance and providing desirable services to the people, and regional and extra-regional interventions, particularly by the United States. The fifth wave of terrorism is characterized by features like fractures in ruling governments, the establishment of independent groups, claims of creating new governance, shifts in the meaning of balance, uncontrolled violence, international expansion of violent activities, and the ability to revive, strengthens previous patterns of friendship and enmity, alters the power distribution at the regional level, breaks down autonomous regional units, and creates a more significant ground for foreign intervention. Consequently, it changes the prevailing pattern of the security complex from a competitive to an adversarial model.

Keywords: Fifth Wave of Terrorism, ISIS, National Security, Islamic Republic of Iran, Salafism, Middle East, Persian Gulf.

Received: 2022-02-14 ; Received in revised form: 2022-03-06 ; Accepted: 2022-03-16 ; Published online: 2022-03-18

<https://doi.org/10.22034/sm.2022.547528.1818>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



موج پنجم تروریسم و مجموعه امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس

حسین افشین^۱، سیامک بهرامی^۲، حمیدرضا سعیدی‌نژاد^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
mohammadmohammady065@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).
Sbahrani59@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
Saeedynezhad48@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیرات موج پنجم تروریسم، بر الگوی حاکم بر مجموعه امنیتی در خاورمیانه و خلیج فارس است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که موج نوین تروریسم با عنایت به ریشه‌های تاریخی آن در قرن بیستم و متأثر از ملت‌سازی تحمیلی و بحران‌های چندگانه هویت، یکپارچگی و مشروعیت ناشی از آن و استمرار آن در کشورهایی مانند عراق و سوریه، شکل گرفته است. لذا، ریشه‌های آن را می‌توان در مسائلی از قبیل بنیان غیرمردنی و انحصارگرایی قومی و مذهبی، عدم توافق و اجماع‌نظر بین بازیگران قومی و مذهبی، دولت شکننده و ضعیف و ناتوان از تحقق حکمرانی خوب و برقراری امنیت و ارائه خدمات مطلوب به مردم و مداخله کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به خصوص آمریکا جستجو کرد. موج پنجم تروریسم با ویژگی‌هایی چون گستردگی در دولت‌های حاکم و ایجاد گروه‌های مستقل، ادعای ایجاد حکمرانی‌های نوین، تغییر در معنای توازن، خشونت‌های بدون چارچوب، گستره فعالیت بین‌المللی خشونت‌ورزانه و قابلیت احیای مجدد، سبب تقویت الگوهای دوستی و دشمنی سابق، تغییر توزیع قدرت در سطح منطقه و گستردگی در واحدهای خودمختار منطقه و ایجاد زمینه بیشتر برای مداخله خارجی و در نتیجه تغییر الگوی حاکم بر مجموعه امنیتی، از الگوی رقابتی به الگوی دشمنی شده است.

واژه‌های کلیدی: موج پنجم تروریسم، داعش، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، سلفی‌گری، خاورمیانه، خلیج فارس.

استاد به این مقاله: افشین، حسین؛ بهرامی، سیامک؛ سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۴۰۲). موج پنجم تروریسم و مجموعه امنیت منطقه‌ای در خلیج

فارس. سیاست متعالیه، ۱۱(۴۰): ۲۶۸-۲۵۵. <https://doi.org/10.22034/sm.2022.547528.1818>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

© the authors

<http://sm.pas.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

تروریسم Terrorism از ریشه لاتینی Terror به معنای ترس و وحشت گرفته شده و به آن دسته از رفتار و اعمال فردی یا گروهی اطلاق می‌گردد که از راه ایجاد ترس و وحشت و به‌کار بستن زور به دنبال دستیابی به هدف‌های سیاسی خود برمی‌آیند (میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۰). در هیچ نقطه‌ای از دنیا تکثیر و گسترش گروه‌های تروریستی به سرعت و گستردگی منطقه خاورمیانه نبوده است. بر همین اساس نیز امنیت منطقه غرب آسیا، همواره یکی از دغدغه‌های مهم کشورها، چه کشورهای منطقه و چه کشورهای فرامنطقه‌ای بوده است. در واقع مسئله امنیت در خاورمیانه نه تنها دغدغه واحدهای سیاسی منطقه‌ای، بلکه همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های واحدهای سیاسی برون منطقه‌ای در خاورمیانه نیز به‌شمار می‌رود. برخی از دولت‌ها امنیت منطقه خلیج فارس را در سایه اتحاد با قدرت‌های بزرگ دانسته و سبب نفوذ آنها در منطقه می‌شدند. برخی دیگر از دولت‌ها حضور قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه را قبول نداشته و امنیت خلیج فارس و خاورمیانه را در سایه حضور خود آن کشورهای منطقه دانسته و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس را تهدیدی علیه سایر کشورها می‌دانستند و این باعث تداوم اختلاف میان کشورهای منطقه خلیج فارس بود (لطفیان، ۱۳۸۶: ص ۱۴-۳۶). بر این مبنا نه تنها در سال‌های اخیر تلاش‌های گسترده‌ای در ایجاد و ترویج ایران‌هراسی شده است، بلکه در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی نیز تلاش‌های بسیاری از سوی آمریکا و حامیان منطقه‌ای آن همانند عربستان صورت گرفته است. آنچه در این پژوهش به عنوان مسئله اصلی مطرح شده، عبارت است از اینکه موج پنجم تروریسم، چه تاثیری بر مجموعه امنیتی در خلیج فارس داشته است؟ لذا، پژوهش بر این فرضیه استوار است که موج پنجم تروریسم با ویژگی‌هایی چون گسست در دولت‌های حاکم و ایجاد گروه‌های مستقل، ادعای ایجاد حکمرانی‌های نوین، تغییر در معنای توازن، خشونت‌های بدون چارچوب، و گستره فعالیت بین‌المللی خشونت‌ورزانه، باعث تقویت الگوهای دوستی و دشمنی سابق، تغییر توزیع قدرت در سطح منطقه و گسست در واحدهای خودمختار منطقه و ایجاد زمینه بیشتر برای مداخله خارجی و در نتیجه تغییر الگوی حاکم بر مجموعه امنیتی از الگوی رقابتی به الگوی دشمنی شده است.

۲. چارچوب نظری

به بیان بوزان^۱ و ویور، پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، باعث شده تا مناطق براساس راه

1. Barry Buzan & Weaver

و روش خود تحول و توسعه یابند. پایان جنگ سرد همچنین امکانات جدیدی برای نظم‌های منطقه‌ای همکاری‌جویانه فراهم کرده و امروزه با موافقت ضمنی دولت هژمون، مسئولیت بیشتری بر دوش کشورهای منطقه گذاشته می‌شود تا به مدیریت مناقشات خود پردازند (بوزان و ویور، ۱۳۸۶: ص ۲۱). در نتیجه چنین روندی، امروزه تلاش برای مقابله با مناقشات خشونت‌آمیز و دستیابی به نظم و امنیت، اساساً از طریق ترتیبات منطقه‌ای و اتخاذ روندهای منطقه‌گرایی^۱ امکان‌پذیر خواهد بود، چراکه در دنیای کنونی دیگر ابرقدرت‌ها مایل به بر دوش کشیدن بار سنگین مدیریت مناقشات و کنترل نظم از دوردست‌ها نداشته و از پذیرش مسئولیت و هزینه‌هایی هرچند محدود در این زمینه سرباز می‌زنند (لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ص ۲۰).

باری بوزان و همکاران در مکتب کپنهاگ، در رابطه با سطوح تحلیل امنیتی، پنج سطح تحلیل را در نظر می‌گیرند: امنیت سیاسی (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ص ۲۸)، امنیت اقتصادی (بوزان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۸)، امنیت فردی و امنیت نظامی (نصری، ۱۳۸۱: ص ۳۸)، امنیت بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای، امنیت ملی، امنیت اجتماعی. به باور اندیشمندان مکتب کپنهاگ، هنوز هم در دنیای جهانی شده، سرعت انتقال تهدیدات، رابطه مستقیمی با فاصله فیزیکی دارد، هرچه فاصله کم‌تر، سرعت انتقال بیشتر. بدین‌سان رویکرد منطقه‌گرایی اندیشمندان این مکتب در حد فاصل دو رویکرد جهان‌گرا و واقع‌گرا قرار می‌گیرد (نصری، ۱۳۸۱: ص ۵۸۶). بوزان در مورد علل اهمیت امنیت منطقه‌ای و مفهوم آن، بر سه اصل تأکید می‌کند: الگوهای دوستی و دشمنی، اختلاف‌ها و همبستگی‌های نژادی و فروپاشی نظام دو قطبی (بوزان، ۱۳۷۸: ص ۳۳-۳۴).

۳. ماهیت و چیستی موج پنجم تروریسم

موج پنجم در بکارگیری تاکتیک‌های ترور، ابعاد و گستردگی قلمرو عملیات، بکارگیری ابزار و روش‌های نوین ترور و تبلیغات، دارای وجوه متفاوتی از امواج چهارگانه تروریسم قبلی است. مهم‌ترین نماد این موج نوین، گروهک سلفی جهادی داعش می‌باشد که با تمسک به آموزه‌های اسلامی و ارائه معانی نادرست از آن، به توجیه اعمال وحشیانه خویش، نه تنها در عراق و سوریه، بلکه در هر گوشه‌ای از جهان اعم از کشورهای اسلامی و اروپایی - مسیحی پرداخته‌اند.

داعش یک گروه تروریستی به معنای سازمانی نیست. داعش یک جنبش دارای تفکر و بنیان فکری بوده و رفتار دولت‌های منطقه‌ای و منعکس‌کننده رفتارهای دولت‌های منطقه و تحولات اجتماعی است. اندیشه

داعش برگرفته از اندیشه‌های سلفی القاعده می‌باشد و به مراتب رادیکال‌تر از القاعده است. هر دو طیف (داعش و القاعده) به برداشت ظاهری از قرآن معتقدند. در واقع استفاده ابزاری از قرآن و اسلام فصل مشترک هر دو موج تروریسمی به‌شمار می‌رود.

آنچه در شکل‌گیری این گروهک تروریستی نباید فراموش کرد، ساختار نظام بین‌الملل است که تا قبل از دهه ۹۰ میلادی مبتنی بر «الگوی نظم توزیعی» بود. اما بعد از دهه ۹۰ میلادی با تحولاتی که در ساختار نظام طبقاتی دولت‌های مرکز ناشی از اقتضانات نظام سرمایه‌داری ایجاد گردید، نوع دیگری از الگوی نظم در ساختار نظام بین‌الملل ایجاد شد که از آن به عنوان «الگوی نظم تکثیری» یاد می‌شود. این الگوی نوین موجبات انتشار قدرت را فراهم آورد که انحصار توزیع و نهادینه‌سازی آن را از زیر یوغ دولت‌ها خارج کرد و بازیگران غیردولتی در عرصه قدرت حضور یافتند. در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه این گروه‌های نورسیده همانند داعش پایه تروریسم نوین را ایجاد کردند. مهم‌ترین عوامل نظم تکثیری در شکل‌گیری موج پنجم تروریسم عبارتند از: گسست در دولت‌های خاورمیانه، شکل‌گیری حکمرانی‌های نوین و متمایز، شکل‌گیری گروه‌های مستقل، تغییر در معنای توازن، خشونت‌های بدون چارچوب، قابلیت احیای مجدد، شکل‌گیری گروه‌های بین‌المللی خشونت‌ورز (بهرامی، ۱۳۹۶: ص ۱۶۷).

۴. عوامل به وجود آمدن مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه

در طول سال‌های اخیر گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه خاورمیانه، نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت متأثر ساخته است. عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های تکفیری، به صورت گسترده و سازمان‌یافته در عراق و حتی کشورهای اروپایی و در میان مردم بی‌گناه، پدیده‌ای جدید در تاریخ اسلام است (رضایی و موسوی، ۱۳۹۶: ص ۱۵۴). در واقع عملکرد کشورهای حامی داعش، فضای مفاهمه و تعامل سازنده را تضعیف کرده و منطقه را به تنش و ناآرامی دچار می‌کند. در نتیجه، همگرایی جای خود را به واگرایی منطقه‌ای می‌دهد. فعالیت تکفیری، حضور مجدد آمریکا را در عراق و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه سبب می‌شود و جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مداخله و افزایش حضور آمریکا در منطقه را مانعی در راه تحکیم پیوندهای خود با کشورهای عربی برای امنیت‌سازی در خلیج فارس تلقی می‌کند.

استمرار حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه به بهانه حمایت از امنیت کشورهای عرب منطقه و مقابله با تروریسم، نه تنها باعث می‌گردد ایران رودرروی همسایگان جنوبی‌اش قرار گیرد، بلکه ناامنی را بیش از پیش

رقم می‌زند. به گونه‌ای که همواره یکی از موارد اختلافی ایران با این کشورها، وابستگی امنیتی آنان به آمریکا و حضور نظامی نیروهای بیگانه در منطقه بوده است. ایران همواره تلاش نموده تا همسایگان خلیج فارسی خود را قانع کند که به حضور نیروهای بیگانه در قلمروی خود پایان داده و به جای وابستگی به بیگانگان، با انعقاد قرارداد امنیتی منطقه‌ای، مسئولیت امنیت خلیج فارس را به صورت مشترک بر عهده گیرند (صیقل، ۱۳۷۳: ص ۱۴۰). لذا، آنچه از سوی ایران مورد تأکید است اینکه، برای تأمین امنیت خاورمیانه باید از نظام امنیتی مبتنی بر همکاری بهره جست و از طریق کاهش نقش قدرت‌های خارجی در منطقه و با بیشترین استفاده از سیاست تش‌زدایی و سعی در اعتمادسازی متقابل، به این خواسته خود نایل آید (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ص ۴۹).

هرگونه ترتیبات جدید امنیتی در منطقه نیازمند در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر نیز می‌باشند:

- شامل کردن تمامی کشورهای مهم منطقه از جمله ایران و عراق،
- کم‌رنگ کردن نقش بازیگران خارجی،
- شناسایی زمینه‌های مشترک تهدیدات امنیتی،
- ایجاد وابستگی متقابل امنیتی، سیاسی و اقتصاد در سطح روابط بازیگران (کر می، ۱۳۸۵).

۵. تاثیر موج پنجم بر الگوی رقابتی و تغییر آن به الگوی دشمنی در خاورمیانه

دامنه بحران‌ها در همکاری منطقه‌ای محدودتر بوده و ساده‌تر مهار می‌شود. در بحران‌هایی که تعارض‌های منطقه‌ای وجود دارد، مهار بحران از طریق مداخله یک نیروی خارجی انجام می‌شود. عدم حل بحران منطقه‌ای باعث حضور نیروی خارجی در منطقه شده که این نیز باعث پیچیده‌تر شدن بحران منطقه‌ای می‌شود. لذا، عدم توجه به منطقه‌گرایی برای مهار بحران منطقه‌ای باعث حضور نیروهای خارجی در منطقه خواهد شد. موج پنجم تروریسم با توجه به ماهیت بنیادگرا و برخاسته از وهابیت رادیکال، در پی احیای خلافت اسلامی و بازگشت به آموزه‌های سلفی می‌باشد، لذا، مهم‌ترین تهدید در جهت امنیت خاورمیانه بوده و اهمّ این تاثیرگذاری عبارتند از:

۱-۵. گسست در دولت‌های حاکم

موج پنجم تروریسم بیشتر در کشورهایی ایجاد شده است که هیچ‌وقت دارای دولت‌های کارآمد نبوده و در دولت‌سازی و ملت‌سازی ناموفق عمل کرده‌اند. دولت چون موجودیتی سیاسی دارد، تهدید سیاسی آن به مثابه تهدید نظامی آن است. لذا، با توجه به تعارضات بنیادین ایدئولوژیک الگوی امنیتی حاکم بر منطقه و موج نوین تروریسم، همواره تهدید سیاسی میان طرفین برقرار است؛ زیرا رقابت بین ایدئولوژی‌ها، بسیار

پیچیده است. این امر، تعریف دقیق تهدید جدی سیاسی در سطحی را که شایسته عنوان امنیت ملی باشد، با مشکل مواجه می‌سازد. در این بین، تهدیدات هویت ملی واضح‌تر است. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشور هدف است (بوزان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۳-۱۴۴).

امروزه دیگر دولت‌ها قدرت مطلق داخلی و بین‌المللی نیستند. گردش‌های مالی توسط شرکت‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد. حتی کنترل تسلیحات نیز خارج از حیطه قدرت دولت‌ها و توسط گروه‌های غیردولتی انجام می‌شود. تضعیف دولت‌ها باعث خواهد شد که گروه‌هایی مانند قاچاق اسلحه، انسان و مواد مخدر به وجود بیاید. کاهش قدرت دولت‌ها باعث شکل‌گیری این گروه‌ها از جمله داعش در خاورمیانه و غرب آسیا می‌شود. شکل‌گیری داعش با کاهش قدرت مرکزی در سوریه و عراق همراه بود (حاتمی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۶).

۲-۵. ایجاد گروه‌های مستقل

در عرصه حکمرانی نوین جهانی و یا نظم تکثیری، متاثر از تحولات ساختار، قدرت دچار انتشار شده و بازیگران غیردولتی از قابلیت ربایش اقتدار به صورت مستقل و نهادینه ساختن آن برخوردار شده‌اند. به گونه‌ای که خود حوزه‌های موضوعی فعالیت خویش را تعیین کرده و حتی در این حوزه‌ها دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند. بازیگران تروریستی نوین همانند داعش، با سوار شدن بر شکاف‌های فرقه‌ای، دولت‌های منطقه را دچار گسست ساخته و اگر در جایی سرکوب شوند، در جایی دیگر سر بر می‌آورند. بر همین اساس نیز داعش نشان داد که چگونه با بهره‌گیری از توانایی در مبارزه با ائتلافی از ۶۰ کشور مقابله کند و همچنان نفس بکشد، به گونه‌ای که به راحتی قابل امحاء نمی‌باشد.

۳-۵. ادعای ایجاد حکمرانی‌های نوین

گروه‌های تروریستی نوین، مبانی حکمرانی نوینی را تعریف کرده‌اند که نه دولت هستند، نه زیر سلطه دولت دیگری قرار دارند. در خصوص داعش، نگاه به آرمان‌های اعلام شده از سوی آن و اندیشه‌های سیاسی که بر مدار آن رشد یافته، نمایانگر قصد براندازی حکومت‌های ملی و قائل بودن به حاکمیت اسلامی منطقه از منظر این جریان تکفیری است. در واقع داعش به یک سیستم غیردولتی، اما متمرکز و سلسله‌مراتبی اذعان دارد که تا حد زیادی نسبت به امارت غیرمتمرکز مورد نظر القاعده متفاوت است (بهرامی، ۱۳۹۶: ص ۳۱۶-۳۳۵). در واقع وجه دیگری که موج نوین تروریسم آن را دنبال می‌کند، مربوط به شکل سیستم حکومتی است. تروریسم نوین به نوعی ضد ملت‌گرایی بوده و بر امت‌گرایی تاکید دارد. داعش نوعی خلافت

اسلامی است که در رویکرد ناسیونالیسم فاقد اهمیت است.

۴-۵. تغییر در معنای توازن

موج پنجم تروریسم، اقتدار را نهادینه ساخته و قابلیت آن را دارد که به صورت مستقل از آن استفاده کند. لذا، با توجه به همین ظرفیت است که به یک عنصر توازن‌بخش در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. داعش که دچار بحران هویت شده بود، به صورت گروه تروریستی ظهور پیدا کرد و به دلیل سرخوردگی اجتماعی از نظام سرمایه‌داری و تقلیل هویت انسان در بستر مدرن، عده زیادی بدان پیوستند (Kfir, 2015).

۵-۵. خشونت‌های بدون چارچوب

موج پنجم تروریسم، مصادیق فراوانی از خشونت بی‌پرده را آشکار ساخته است. این خشونت‌ها، اساساً کارکردی دوگانه دارند. لذا، نه تنها ایجاد رعب و وحشت می‌کند، بلکه برای تروریست‌ها جذابیت به دنبال دارد و بدنه اجتماعی خویش را با آن گسترش می‌دهد. داعش اساساً متکی به ایجاد وحشت است. در حالی که سازمان‌های دیگر، قوانین و محدودیت‌های خاصی نسبت به تمایل جنگجویان خود به سوی تکفیر و بی‌بندوباری و فساد علیه مخالفین خود دارند، مانند کاری که جبهه النصره در مواضع مختلف انجام داد. ابوبکر البغدادی آزادی کاملی برای انجام هرگونه عمل زشت، انفجار و خشونت نهفته در افراد این گروهک تروریستی قائل است. در واقع، در بین این جنگجویان افرادی هستند که اساساً به دنبال همین اقدامات نادرست می‌باشند.

۶-۵. گستره فعالیت بین‌المللی خشونت‌ورزانه

موج پنجم تروریسم برخلاف امواج سابق، هنجارهای غالب را در ابعاد جهانی و فرامرزی به چالش کشیده و در بسیاری از کشورها، بویژه در کشورهای منطقه خاورمیانه همانند عراق، یمن و... در جذب افراد و گروه‌های تروریستی موفق نشان داده‌اند. بنابراین، از منظر تأثیرگذاری موج نوین تروریسم بر افکار عمومی در اجتماع، شاهد پدیده‌ای کم‌نظیر بوده‌ایم. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام و راه‌اندازی «شبکه دابق» و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی، تکیه بر اصل غافل‌گیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت‌ناپذیری مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضاء و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آن‌ها موجب شده است که سیر رشد آن‌ها تصاعدی شود (نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ص ۷۹).

داعش به‌مثابه مهم‌ترین نمود موج نوین تروریسم، سیاست‌های ویژه جذب نیرو را در پیش گرفت و ارتش بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ترویج تفکر، جذب نیرو و پیگیری و انتشار افکار و اخبار داعش به‌کار گرفت (نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ص ۱۰۳). یکی از ابزارهای اجتماعی که داعش در سطح جهانی از آن بهره گرفته و امنیت اجتماعی را در سطوح گسترده‌ای دنبال می‌کند، سیستم‌های ارتباطی نوین و کنش‌های ارتباطی جدید است. «گسترش شبکه‌های اجتماعی از جمله: شبکه‌های مجازی، شبکه‌های تولید خبر، سایت‌ها، ماهواره‌ها، تلفن‌های هوشمند و... براحتی انتقال اطلاعات را بین همگان با دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت انتقال می‌دهند» (حاتمی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۵). لازم به ذکر است که بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی نوین و رسانه‌های جدید در سطح گسترده، یکی از مولفه‌های داعش به‌مثابه موج پنجم تروریسم نیز به‌شمار می‌رود. در شکل‌گیری و گسترش داعش، رسانه‌ها نقش مهمی ایفا کرده و از مهم‌ترین ارکان شکل‌گیری آن هستند. رسانه‌های داعش در زمینه تبلیغات، جنگ روانی و تضعیف روحیه عمل می‌کردند (Gunaratna, 2002: p.86).

۵-۷. قابلیت احیای مجدد

در حال حاضر شکست سرزمینی داعش رخ داده، ولی نه شکست داعش؛ باید این دو را از هم تفکیک کرد. داعش به عنوان مدعی دروغین خلافت اسلامی توانسته بود با اشغال سرزمین‌هایی در عراق و سوریه، مدعی سرزمین دروغین خلافت شود، که این ناپود شده، ولی تفکر داعش، مبانی فکری و مالی داعش و ظروفی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) که داعش را ایجاد کرد، ناپود نشده است. جدیدترین داده‌های منتشر شده از سوی سازمان غیردولتی «پروژه کلاریون»^۱ نشان می‌دهد که به‌رغم شکست‌های پی‌درپی داعش در عراق و سوریه، تعداد عناصر وابسته به این گروه تروریستی طی ۴ ماه گذشته در نقاط مختلف جهان گسترش یافته است. طبق اطلاعات این موسسه، اگرچه داعش کنترل خود را بر رقه، پایتخت خودخوانده این گروه تروریستی، از دست داده است، اما دسترسی عناصر آن به بخش‌های دیگری از خاورمیانه، شمال آفریقا و برخی از نقاط اروپا افزایش یافته است.^۲

همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی چهار متغیر دارد:

- (۱) مرز، که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند،
- (۲) ساختار آناشیک، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل

1. Clarion Project

2. www.yjc.ir/fa/news/6288388

شده باشند،

(۳) قطب، که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدها است،

(۴) ساخت اجتماعی، که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدها است.

داعش به مثابه موج پنجم تروریسم با ویژگی‌های هفت‌گانه که مورد اشاره قرار گرفت، در هر چهار سطح مجموعه امنیتی خلیج فارس تأثیرات عمیقی برجای گذارده و الگوی حاکم رقابتی را به یک الگوی دشمنی در این مجموعه امنیتی تبدیل کرده است. بر این اساس غرب آسیا به عنوان منطقه‌ای تعریف می‌شود که دچار تعارض همیشگی است. داعش نه تنها مرزهای سوریه و عراق را درنوردید و سرزمینی گسترده در مرزهای عراق و سوریه برای خلافت خویش به تصرف درآورد، بلکه موجبات ساختاری آنارشیک را در عراق و سوریه رقم زد که تبعات گسترده‌ای برای مردم این نواحی در پی داشت و ساخت اجتماعی را با کشتار یزیدیان و برده‌فروشی دچار تحول کرد.

علاوه بر این ظهور موج پنجم تروریسم میزان ثبات و پایداری روابط میان بازیگران مجموعه امنیتی ایران و محور مقاومت را تشدید کرده است. ایران، سوریه و گروه‌های حزب‌الله و حماس کم‌تر با یکدیگر دچار تعارض شده‌اند و بنابراین، تمایلی برای جنگ و تجاوز علیه همکار امنیتی مجموعه وجود نداشته است، بلکه اشتراکات ایدئولوژیک، موجب افزایش ارتباطات مثبت میان ملت‌های این بازیگران شده است. اما دخالت‌ها و حمایت کشورهای عربی به همراهی آمریکا و ترکیه و رژیم صهیونیستی به افزایش قدرت مبارزان مسلح و شکل‌گیری داعش منجر شد. قطر و عربستان سعودی سرنگونی اسد را به عنوان فرصتی برای تضعیف نفوذ منطقه‌ای ایران قلمداد کردند. عربستان سعودی همچنین با هواداری از رویکرد تغییر رژیم در سوریه و ایجاد یک حکومت متحد و سنی در سوریه، نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش می‌داد. در واقع موج پنجم تروریسم در خاورمیانه با توجه به عوامل فوق، سبب تقویت الگوهای دوستی و دشمنی سابق، تغییر توزیع قدرت در سطح منطقه و غرب آسیا، گسست در واحدهای خودمختار منطقه و ایجاد زمینه بیشتر برای مداخله خارجی و در نتیجه تغییر الگوی حاکم بر مجموعه امنیتی از الگوی رقابتی به الگوی دشمنی شده است.

۶. نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان نتیجه از این تحقیق مستفاد می‌شود این است که موج نوین تروریسم با عنایت به ریشه‌های تاریخی آن در قرن بیستم و متأثر از ملت‌سازی تحمیلی و بحران‌های چندگانه هویت، یکپارچگی و مشروعیت ناشی از آن و استمرار آن در کشورهای همانند عراق و سوریه شکل گرفته است. لذا، ریشه‌های آن

را می‌توان در مسائلی از قبیل بنیان غیرمدنی و انحصارگرایی قومی و مذهبی، عدم توافق و اجماع نظر بین بازیگران قومی و مذهبی، دولت شکننده و ضعیف و ناتوان از تحقق حکمرانی خوب و برقراری امنیت و ارائه خدمات مطلوب به مردم و مداخله کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای، به خصوص امریکا جستجو کرد. مجموعه این عوامل، موجبات رشد و تقویت گروه‌های نوینی از تروریسم همانند داعش را در منطقه خاورمیانه فراهم آورد. قدرت‌گیری داعش همزمان با شروع چالش‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بود و این رخداد تمامیت ارضی سوریه و عراق را مورد تهدید قرار می‌داد. از جمله این تهدیدات بروز جنگ داخلی و خطر تجزیه و تغییر نظام سیاسی بود. موج نوین تروریست باعث ایجاد افراط‌گرایی و ظهور تروریست، بروز جنگ قومی و مذهبی و تجزیه کشورهای منطقه بود.

موج پنجم تروریسم و گروهک‌های برخاسته از آن همانند داعش می‌توان گفت، داعش از زمان اعلام وجود، در فاصله کوتاهی با اعمال وحشیانه اعضای خویش مرتکب جنایات گسترده‌ای شد. قتل‌های گسترده، جراحات‌های پرشمار و نابودی اموال مردم عادی و زیرساخت‌های کشورهای چپون عراق و سوریه تنها بخشی از جنایات به‌شمار می‌رود. تروریسم موج پنجم از کشتار وحشیانه و گسترده به عنوان یک تاکتیک جهت کسب کنترل نسبت به بخش‌های وسیعی از سرزمین‌ها در کشورهای عراق و سوریه و اعمال فشار به نیروهای نظامی این کشورها استفاده کرده است. عضوگیری‌های گسترده به تعداد بیش از ۳۰ هزار نفر، حملات نظامی به غیرنظامیان و اقلیت‌های قومی و مذهبی، برده‌داری و سوء استفاده جنسی در مقیاس گسترده و به صورت سیستماتیک، استفاده از کودکان به عنوان سرباز و عوامل بمب‌گذاری‌های انتحاری، آدم‌ربایی، شکنجه و بهره‌گیری از رسانه‌های نوین ارتباط جمعی و فیلم‌برداری از اعمال تروریستی و وحشیانه، همراه با وحشت‌آفرینی و محبوبیت، نمایی از مهم‌ترین وجوه موج پنجم تروریسم به‌شمار می‌رود.

این موج، تفاوت‌های زیادی با سایر گروه‌ها و امواج تروریستی دارد؛ از عضوگیری و استفاده از زنان در ساختار اجرایی گرفته تا آموزش کودکان برای جهاد و انجام حرکت‌های تروریستی و...؛ اما سه مورد از مهم‌ترین وجوه آن عبارتند از: تلاش برای ساختار حاکمیتی و اندیشه گسترش حاکمیت خویش بر جهان اسلام، بین‌المللی بودن اعضا (اعضای این گروه از آمریکا و اروپا گرفته تا آفریقا، قاره آسیا و استرالیا، به ویژه جهان اسلام نیرو دارد؛ نیروهایی که با زبان‌های مختلف قومیت‌ها و نژادهای گوناگون در این گروه جذب شده‌اند)، فعالیت‌های رسانه‌ای-تبلیغاتی. با وجود قدمتی که گروه‌های تروریستی القاعده یا طالبان دارند، داعش توانسته است معروف‌تر و مشهورتر جلوه کند و این معروفیت خود را مرهون فضای تبلیغاتی است که از آن بهره می‌برد.

فیلم برداری از فتوحات داعش و انتشار سریع جنایت‌های متنوع و منزجرکننده در جهان، بهره‌برداری ویژه این گروه تکفیری صهیونیستی از فضای مجازی است که به کمک آن توانسته خود را گروه تروریستی بی‌رحم، دارای برنامه و توانایی رویارویی با قدرت‌ها نشان دهد. این موج برخلاف سایر گروه‌های تروریستی که دامنه محدود به چند شهر یا روستا دارند و حرکات عمدتاً ایذایی برای دولت‌ها انجام می‌دهند و در این حوزه تخصص دارند، ساختاری دارد که می‌تواند به سرعت حاکمیت خود را بر شهرها و روستاها اعمال کند؛ از تشکیلات قانونگذاری، اجرایی و قضایی گرفته تا پلاک کردن خودروها و گذرنامه‌ها و تعویض کتب درسی مطابق آموزه‌های تکفیری و مراودات اقتصادی و حتی قانونگذاری و حکمیت و... این ساختار ناشی از باور ایجاد حاکمیتی یکسان در جهان اسلام براساس باورهای سلفی است که در آن هیچ مذهبی به غیر از مذهب آنها مورد پذیرش نیست.

لذا، با توجه به ماهیت و اهداف موج نوین تروریسم در منطقه خاورمیانه که کاملاً در تضاد با ماهیت و اهداف جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، تأثیرات بسزایی در عرصه‌های مختلف امنیتی ایران و منطقه برجای گذاشته است. این گروه سلفی جهادی با عقاید ضد شیعه، ضد جمهوری اسلامی ایران و ضد محور مقاومت از سال ۲۰۱۵م بخش‌هایی از محور مقاومت (از عراق تا سوریه) را با حملات تروریستی خود و با پشتیبانی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تسخیر نموده و باعث بی‌ثباتی امنیتی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی در این منطقه شده است.

ظهور داعش، معادلات منطقه را دستخوش تحولاتی عمیق کرده و روابط میان کشورهای منطقه از جمله رابطه ایران با عربستان سعودی و همچنین رابطه عربستان سعودی با قطر، عربستان سعودی با عراق و همچنین عربستان سعودی با سوریه را به کلی دگرگون ساخته است؛ و روابط ایران با کشورهای همانند عربستان و امارات دچار واگرایی شده است. در مقابل با کشورهای عراق و سوریه و لبنان اتحاد استراتژیک شکل گرفته و در سطح بین‌المللی نیز با تأیید شکست سیاست‌های آمریکا، موجبات همکاری گسترده با روسیه را فراهم ساخته است. همچنین شکست‌های داعش در عراق و سوریه، نشان‌دهنده عدم توانایی این گروه در اجرای سیاست‌های غرب و حامیان صهیونیستی و عرب آنها از یک طرف و برجسته‌تر شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت از طرف دیگر است. اگرچه حوادث اخیر در سوریه و عراق، نویدبخش نابودی داعش در آینده‌ای نه‌چندان دور است و اینک فرصت‌های برجای مانده از فعالیت این گروه تروریستی بر چالش‌های آن فزونی دارد، اما نباید از دو نکته اساسی غافل ماند:

(۱) نسل خشونت‌گرای جدیدی است که تحت تأثیر ایدئولوژی خشونت‌ورز داعش قرار داشته و دارد. در

واقع، نابودی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، خاتمه‌بخش افراط‌گرایی در آینده نخواهد بود و روح تروریستی این گروه در اشکالی دیگر جلوه خواهد کرد.

۲) چالش دیگری که جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای محور مقاومت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ساختار سیاسی عراق و سوریه است که در صورت عدم توجه مناسب می‌تواند زمینه را برای یارگیری مجدد گروه‌های افراطی از میان جوانان این کشورها فراهم آورد.

علاوه بر این، با توجه به گفتمان شیعی انقلاب اسلامی و تقابل این گفتمان با دولت‌های اهل سنت و سلفی‌گری در منطقه از یک سو و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، امنیت ملی ایران را همواره با چالش‌هایی مواجه کرده است.

لذا، مهم‌ترین تهدیداتی که از جانب موج نوین تروریسم و گروه بنیادگرای داعش، امنیت ملی ایران را با خطر مواجه ساخته، طبق دسته‌بندی مکتب کپنهاگ در امنیت نظامی می‌توان به تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی و انجام فعالیت‌های تروریستی در داخل کشور اشاره کرد. در امنیت سیاسی، تضعیف محور مقاومت از طریق تضعیف رژیم‌های شیعه در عراق، سوریه و لبنان، رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف شیعه و سنی و تهدید حاکمیت ملی، برهم خوردن موازنه قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل از دیگر تهدیدات این موج به‌شمار می‌رود. علاوه بر اینکه امنیت اقتصادی ایران نیز در مبارزه با داعش و از دست رفتن بازارهای سوریه و عراق همراه با افت قیمت نفت از تهدیدات بُعد اقتصادی است. افزایش تنش‌های قومی و مذهبی را می‌توان مهم‌ترین تهدیدات در بُعد امنیت اجتماعی قلمداد کرد. این همه در حالی است که تخریب منابع طبیعی، آلودگی‌های زیست محیطی، دستیابی به سلاح‌های شیمیایی و... از تهدیدات بخش زیست محیطی می‌باشد. اما در مقابل، ظرفیت نسبی ایران در حفظ امنیت منطقه و حتی مبارزه با تروریسم در سطح بین‌الملل، ظرفیت بسیار بزرگی برای ایران ایجاد کرده است. لذا، در حالی که شورای امنیت داعش را تهدیدی جهانی و بی‌سابقه می‌نامید، جمهوری اسلامی ایران جلوی این تهدید بی‌سابقه را گرفته است. در این راستا، ضرورت دارد دستگاه دیپلماسی کشور از ظرفیت و موقعیت ایجاد شده به نحو احسن استفاده کند. اولین گام در بهره‌گیری از این ظرفیت، داشتن استراتژی ملی مقابله با تروریسم است. استراتژی به‌مثابه یک سگویی است که می‌تواند ما را با بسیاری از کشورهای دنیا مرتبط کرده و باعث ایجاد گفتگو و تعاملاتی در زمینه مبارزه با تروریسم شود.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۱). *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. بوزان، باری (۱۳۹۰). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۶). *مناطق و قدرت‌ها*. ترجمه رحمان قهرمان‌پور. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. بهرامی، سیامک (۱۳۹۶). برداشتی سازه‌انگارانه از ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا. *مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۷): ۶-۲۷. حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۴). شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸(۳۰): ۲۷-۳۰. رضایی، رضا؛ موسوی، سید صدرالدین (۱۳۹۶). ظهور داعش و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده برای ایران. *جهان سیاست*، ۵(۱۱).
- صیقل، امین (۱۳۷۳). *مفهوم امنیت در خلیج فارس از نظر ایالات متحده*. ترجمه امیر سعید الهی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- طباطبایی، محمدرضا؛ فتحی، سید محمد (۱۳۹۳). تحوّل مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس مکتب کپنهاگ. *مطالعات راهبردی جهانی شدن*، ۵(۱۴).
- کریمی، کامران (۱۳۸۵). *ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس*. تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- گسترش گروه‌های تروریستی وابسته به داعش در مناطق مختلف جهان (۱۳۹۶). قابل دسترس در: www.yjc.ir/fa/news/6288388
- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۶). چالش‌های جدید امنیتی خلیج فارس: بررسی منافع مثلث ایران- آمریکا- شورای همکاری خلیج فارس. *مطالعات خاورمیانه*، ۱۴(۴): ۴۸-۴۹.
- لیک، دیوید ای؛ مورگان، پاتریک (۱۳۹۲). *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهان نوین*. ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: انتشارات راهبردی.
- میراحمدی، منصور؛ ولدبیگی، علی اکبر (۱۳۹۵). تروریسم و عملیات استشهادی. *سیاست متعالیه*، ۴(۱۲): ۱۱۹-۱۴۹.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱). سه فرمول کلیدی برای درک منطق منازعه در خاورمیانه: دیدگاه باری بوزان. تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- نظری، علی اشرف؛ السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۳). بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): زمینه‌های فکری و سیاسی اجتماعی. *علوم سیاسی*، ۱۷(۶۸).
- Gunaratna, R. (2002). *Inside Al-Qaeda: Global Network of terror*. New York: Columbia University Pres Access.
- Kfir, I. (2015). Social Identity Group and Human (In) Security: The case of Islamic (ISIL). *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(4): p. 233-252. <https://doi.org/10.1080/1057610X.2014.997510>